

## تبیین و واکاوی مهمترین معرف‌ها، شاخص‌ها و مؤلفه‌های سازه‌ی فرهنگی ساخت نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت غریب فاضل نیا<sup>۱</sup>

### چکیده

در راستای ساخت نظریه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، موضوع تبیین نسبت فرهنگ با توسعه و نیز توسعه با فرهنگ به عنوان یکی از بنیادی‌ترین سازه‌ها، مطرح می‌باشد. لذا لازم است مبحث گسترده فوق با نگاهی جامع، عمیق و در عین حال با نگرشی آینده‌نگر، انتقادی - تطبیقی مورد کنکاش و مذاقه قرارگیرد. بر این اساس از جمله مهمترین و اساسی‌ترین چالش‌ها در ساخت نظریه و نیز تهیه و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کشور که از منظر بسیاری از صاحب‌نظران، به‌مثابه سنگ بنای آن نیز محسوب می‌شود- همانا، شناسایی، معرفی و تبیین مهمترین معرف‌های عوامل، عناصر، متغیرها، و مؤلفه‌های سازه فرهنگی دخیل در جریان توسعه متناسب با مبانی و اصول تربیتی ایرانی اسلامی می‌باشد. بر این اساس این تحقیق با درک اهمیت و ضرورت مساله و با رویکردی تحلیلی در صدد تبیین، شناسایی، واکاوی و معرفی مهم‌ترین معرف‌های عوامل، عناصر، متغیرها، و مؤلفه‌های سازه فرهنگی دخیل در جریان توسعه به عنوان گامی اساسی و بنیادین در ساخت نظریه و نیز تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در ایران برآمده است. یقیناً شناسایی و تبیین این معرف‌ها و شاخص‌ها، ضمن فراهم‌آوری داده‌ها و اطلاعات لازم در ساخت نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت، مسیر تدوین رسالت سازمان‌ها و نهاد‌های متولی آموزش و توسعه فرهنگی کشور را مشخص خواهد نمود.

واژگان کلیدی: تبیین، واکاوی، مؤلفه‌های فرهنگی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

### ۱. مقدمه:

<sup>۱</sup> دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه زابل

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

متون توسعه، حاکی از آن است که رویکردهای یک سویه‌نگر، مکانیکی، فن محور و رشد مدارانه، طی سالیان دراز، بر سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های توسعه اغلب کشورهای جهان سوم و از جمله ایران غلبه داشته است. طی بررسی‌های زیاد، کاستی‌ها و نارسائی‌های این رویکردها بر همگان آشکار شد. بدنبال ناکامی‌های فوق، در طول زمان، کارگزاران توسعه ملی و بین‌المللی متقاعد شده‌اند که بدلیل پیچیدگی عوامل تعیین کننده فرآیند توسعه، راهبردهای توسعه باید جامع‌تر شوند. لذا، هم اکنون، رویکردهای توسعه، همه جانبه و عموماً ویژگی‌های کیفی توسعه را - که به دنبال نفوذ پارادایم‌های جدید توسعه، برای ارائه یک چارچوب مطمئن با هدف اصلاح و پیشرفت مفاهیم کلیدی در سیاستهای توسعه‌ای همانند، «پایداری»<sup>۲</sup>، «مشارکت خودجوش و آگاهانه»<sup>۳</sup>، «خود آگاهی»<sup>۴</sup>، «آگاهی‌های محیطی»<sup>۵</sup>، «ظرفیت‌سازی»<sup>۶</sup> و «توانمندسازی»<sup>۷</sup>، قوت گرفته و رواج یافته است (براهمن، ۱۳۸۱، ص الف) - کانون توجه خود قرار داده‌اند. (فاضل نیا، غریب، رساله دکتری، ۱۳۸۶)، (فاضل نیا، غریب، تحلیل عوامل و شرایط محیطی مؤثر بر شناخت و آگاهی روستائیان از بخش تعاون. مورد شناسی: استان سمنان، ۱۳۸۶)، (فاضل نیا، غریب، چارچوب الگوی بهینه نظام برنامه ریزی ترویج تعاون در مناطق روستایی استان سمنان، ۱۳۸۶).

بر این اساس می توان با قاطعیت اذعان داشت که تلقی غالب از مفهوم توسعه این است که، اساساً توسعه پدیده ای چند بعدی است و لذا محدود کردن آن به پیشرفت اقتصادی صرف، موجه نیست. این نکته را نباید از نظر دور داشت که به طور کلی، هدف نهایی هر جامعه تلاش جهت نیل به رشد و توسعه است، لذا رفع موانع دستیابی به این هدف ضرورتی اجتناب ناپذیر می نماید. مطالعات نشان می دهد، در خیلی از موارد، فرهنگ در نقش تقویت کننده و در برخی موارد در نقش تضعیف کننده و بازدارنده جریان توسعه عمل می

---

2- Sustainability

3- Spontaneous Participation

4- Self awareness

5- Environmental awareness

6- Capacity building

7- Empowerment

نماید. بر این اساس شاید بتوان گفت، زمانی که فرهنگ یک جامعه در نقش تضعیف کننده و بازدارندگی جریان توسعه عمل نموده و به عبارتی، پذیرای توسعه نباشد، تحول در آن فرهنگ می‌تواند، مقدمه ای برای توسعه در ابعاد گوناگون آن باشد (گی روشه ، ۱۳۷۹، ص ۱۸۸-۱۷۷).

در این میان یک اصل اساسی را باید در نظر داشت و آن اینکه، در یک مدل واقعی رشد و توسعه، نبایستی تلاش‌ها و هزینه‌هایی که در راستای توسعه فرهنگی صورت می‌گیرد و معالماً منجر به تولید تفکرات، منطق‌ها و اسلوب‌ها نوین می‌شوند، و صد البته مردم را دقیق، منظم و منطقی بارمی‌آورند و از جهان هستی و شرایط محیطی اطراف آنان استنباط معقول‌تر و دقیق‌تری را در ذهن آنان جای می‌دهد، هزینه‌های مصرفی قلمداد شوند، بلکه جزو سرمایه‌گذاری‌های اساسی و زیر بنایی محسوب خواهند شد. مطالعات متعدد نشان داده است، در عصر دانایی، اهمیت این سرمایه‌گذاری‌ها هر روز روشن‌تر گشته و از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد.

بر این اساس، در راستای تبیین چشم‌اندازها و چالش‌های توسعه کشور در افق بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت و نیز به منظور دستیابی به چارچوب الگوی اسلامی ایرانی - پیشرفت، موضوع "تبیین نسبت فرهنگ با توسعه و نیز توسعه با فرهنگ در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت" به عنوان یکی از بنیادی‌ترین مباحث مطرح می‌باشد که لازم است مبحث گسترده فوق با نگاهی جامع، عمیق و در عین حال با نگرشی آینده‌نگر، انتقادی - تطبیقی و بویژه توسط متخصصین با تجربه ذیربط مورد کنکاش و مذاقه قرارگیرد. آنچه مسلم است این است که تهیه و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به نحوی که این الگو متناسب با مقتضیات و شرایط محیطی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور و صد البته مبتنی بر مبانی دین مبین اسلام و انقلاب اسلامی باشد، از جمله مهمترین و بنیادی‌ترین اقدامات بایسته‌ای است که شاید بتوان گفت دوام و بقای نظام مقدس جمهوری اسلامی تا حد زیادی به آن بستگی خواهد داشت.

یکی از محوری‌ترین موضوعات قابل طرح در این حیطه، همانا، شناسایی، معرفی و تبیین مهمترین معرف‌های عوامل، عناصر، متغیرها، و مؤلفه‌های فرهنگی دخیل در جریان توسعه در حوزه‌های مختلف می‌باشد. بر این اساس از جمله مهمترین و اساسی‌ترین چالش‌های تهیه و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی توسعه و پیشرفت کشور که از منظر

بسیاری از صاحب نظران، به مثابه سنگ بنای آن نیز محسوب می شود، همانا، شناسایی، معرفی و تبیین مهمترین معرف های عوامل، عناصر، متغیر ها، و مؤلفه های فرهنگی دخیل در جریان توسعه - متناسب با مبانی و اصول تربیتی ایرانی - اسلامی و تراز جمهوری اسلامی - می باشد.

در این بین موضوعات متعددی مطرح و نیز سئوالات زیادی وجود دارد که پاسخ به هر یک مطالعات دامنه داری را می طلبد. برخی از این سئوالات به قرار ذیل بیان می شود:

اساساً ارتباط بین فرهنگ و توسعه چیست؟ کدام ویژگی یا ویژگیهای فرهنگی در نقش تقویت کننده جریان توسعه عمل کرده و لذا جهت دستیابی و تحقق توسعه لازم و کدام ویژگی یا ویژگیهای فرهنگی در نقش بازدارنده و تضعیف کننده جریان توسعه عمل نموده و به عبارتی باعث توقف توسعه است؟ آیا می توان فرهنگ عامه را به یکباره به هم ریخت و باز هم توسعه یافت؟ آیا برای توسعه نیازمند هویت مستقل فرهنگی هستیم؟ اصلاً فرهنگ چیست، چگونه شکل می گیرد و متحول می شود؟ آیا نهاد های خاصی در هر کشور در شکل دهی به فرهنگ و در تحول آن نقش دارند؟ اگر چنین است این نهادها کدام اند و روشهای تحول فرهنگی چیست؟ و بالاخره وضعیت کشور ما در این زمینه ها چگونه است؟ آیا فرهنگ حاکم بر جامعه ما برای توسعه مناسب است؟ اگر نیست، چگونه می توان ویژگیهای مناسب فرهنگی را فراهم آورد؟ و نهایتاً جامعه ما در چه مرحله ای از تحول فرهنگی است؟ (عظیمی آرانی، حسین، ۱۳۸۳، ص ۱۸۳-۱۸۱).

برخی از مهمترین این سئوالات، محور مباحث این مقاله را تشکیل می دهد. بر این اساس این تحقیق با درک اهمیت و ضرورت مسئله و با رویکردی تبیینی - تحلیلی در صدد تبیین، شناسایی، معرفی و تبیین مهمترین معرف های عوامل، عناصر، متغیر ها، و مؤلفه های فرهنگی دخیل در جریان توسعه به عنوان گامی اساسی و بنیادین در تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در ایران برآمده است. یقیناً شناسایی و تبیین این معرف ها و شاخص ها، مسیر تدوین رسالت سازمانها و نهاد های متولی آموزش و توسعه فرهنگی کشور را مشخص خواهد نمود.

## ۲. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق:

فرهنگ به عنوان سرمایه معنوی، مادی و متراکم شده جوامع و اصلی ترین عامل حفظ و تقویت هویت ملی و تاریخی یک کشور و جامعه شناخته می شود. صاحب نظران توسعه و بویژه جامعه شناسان با نگرش توسعه ای، فرهنگ را از حیث ویژگی و کارکرد آن در دو سطح طبقه بندی می کنند که عبارتند از: ۱- فرهنگ معنوی (اساسی): شامل ارزشها، هنجارها، رفتارها، باورها و نیایدها و اعتقادات و نگرش ها. و ۲- فرهنگ مادی (مشهود): شامل کالاها، خدمات، محصولات و ابزارهای فرهنگی مثل: کتاب، مطبوعات، هنر، سینما، زبان، آداب و رسوم و سنن و غیره. با در نظر گرفتن این تقسیم بندی، برخی از متخصصان علوم انسانی اتفاق نظر دارند که لایه زیرین توسعه در هر جامعه فرهنگ است که باعث ایجاد فضایل اخلاقی و احساسات ملی در افراد می گردد. لذا سیاستگذاری و برنامه ریزی و طراحی اقدامات و فعالیت ها در حوزه مدیریت فرهنگی می باید همواره بعد زیرین فرهنگ را مورد توجه قرار دهد. زیرا هرگونه برنامه ریزی در این حوزه بدون توجه به بعد معنوی فرهنگ اثر بخش نخواهد بود. از سوی دیگر اثرات ابعاد معنوی فرهنگ از طریق، محصولات، آثار، فعالیت ها و مصرف فرهنگی در قالب سطح مشهود آن را می توان مورد ارزیابی قرار داد. بنابراین برای بهبود آثار سیاست ها و اقدامات فرهنگی توجه متعادل به هر دو بعد فرهنگ الزامی است. علاوه بر این هرگونه برنامه ریزی در حوزه فرهنگ باید به کمال رسیدن استعدادها و شایستگی های انسان در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی را مورد توجه قرار دهد. از این حیث نیز می باید میان برنامه ریزی فرهنگی و برنامه ریزی در حوزه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ارتباطی مستمر و پویا طراحی نمود تا از مجرای آن امکان استفاده از ظرفیت های متقابل در راستای توسعه همه جانبه کشور فراهم شود. این امر نشان می دهد که اولاً برنامه ریزی در حوزه فرهنگ، گستره بیشتری را در مقایسه با دیگر حوزه ها در برمیگیرد، ثانیاً برای برنامه ریزی در حوزه فرهنگ باید دیدگاه ها و نگرش کلان و فرابخشی را همواره مدنظر قرار داد. ثالثاً در طراحی برنامه ها و اقدامات مرتبط با سطح مشهود فرهنگ، همواره باید این تعاملات در نظر گرفته شود.

با در نظر گرفتن مباحث مشروحه، می توان گفت، گام اول در فرایند پالایش فرهنگی هر جامعه، شناسایی مهمترین عوامل، عناصر، متغیرها و مؤلفه های فرهنگی تأثیر گذار در پیشبرد جریان توسعه - که در ادبیات و متون توسعه از آنها به عوامل، عناصر، متغیرها و مؤلفه های پیش برنده و عقب برنده جریان توسعه یاد می شود- می باشد که قاعده‌تاً لازم

است این شناسایی با در نظر گرفتن مقتضیات جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هر جامعه صورت گیرد.

باید خاطر نشان کرد که در کشور ایران، فرهنگ و مفهوم سازی های ترکیبی آن همچون فرهنگ توسعه، توسعه فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی و غیره چندان جدی گرفته نشده و در خیلی از موارد ادارک درستی از مقولات فوق نیز وجود نداشته است. لذا پیرامون این بُعد بسیار مهم از توسعه تحقیقات هدفمند و مسئله محور به طور جدی صورت نگرفته است. با توجه به اینکه طی مطالعات متعدد ثابت شده است و نیز تجارب توسعه در بسیاری از کشور ها نیز نشان داده است که امروزه فرهنگ نقش مؤثری در توسعه دارد و به عنوان زیربنا در توسعه شناخته می‌شود، بنابراین باید در زمینه توسعه آن و بخصوص در زمینه توسعه فرهنگی، تحقیقات لازم صورت گیرد. بنابراین توجه به فرهنگ توسعه و توسعه فرهنگی و مقولات مرتبط در تهیه و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بسیار ضروری است که قاعدتاً این امر مستلزم انجام پژوهش های علمی است.

### ۳. سابقه تحقیق:

با مطالعه و سیر در ادبیات و مقالات و گزارش‌های گوناگون در داخل و خارج کشور سعی گردیده که سوابق تحقیق مرتبط با موضوع تحقیق آورده شود.

OECD، (2005)، در مقاله‌ای تحت عنوان «فرهنگ و توسعه محلی در پاریس» نشان می‌دهد که فرهنگ یک بخش کامل از توسعه محلی است. همچنین تأثیر فرهنگ در اقتصاد محلی و مسائل مربوط به روش شناسایی آن را روشن می‌کند. تنها در سطح بین‌المللی، فرهنگ با ایجاد شغل، و همچنین درآمدهای سطح محلی ارتباط دارد. زیرا در شهرها، مناطق یا نواحی متروپلیتن، فرهنگ به یک مؤلفه ضروری در کیفیت زندگی و منبع درآمدهای توریستی تبدیل شده است.

Cochrane (2006)، در کتاب خود تحت عنوان «درآمدی بر سرمایه فرهنگی و اهمیت آن در توسعه پایدار اقتصادی» نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی در سه زمینه کلیدی نفوذ کرده است: مدیریت اهداف، فرایند بازده و تقاضا. شکل این سه حوزه بر اساس چارچوب تجزیه و تحلیل، برای ارزیابی حضور صفات مختلف فرهنگی طراحی شده است.

Oakes (2006)، در مقاله‌ای تحت عنوان «استراتژی‌های فرهنگی توسعه: مفاهیمی برای مناطق روستایی در چین» به بررسی این موضوع می‌پردازد که در اوایل دهه ۱۹۹۰ در چین، فرهنگ به آن حدی رسیده است که به عنوان یک بحث مهم در منابع توسعه شناخته شود. در این تحقیق به بررسی استراتژی‌های توسعه فرهنگی دولت در تأمین نیازهای اولیه مردم پرداخته شده است. در این مطالعه ۳ روستا مورد بررسی قرار گرفته شده است. نتایج نشان داد که استراتژی توسعه فرهنگی در روستاهای چین نشانه توسعه اقتصادی است.

Santagata (2006)، در کتاب خود تحت عنوان «مناطق فرهنگی و نقش آنها در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه» به بررسی اینکه تجزیه و تحلیل ویژگی‌های اقتصادی و نهادهای حاکم بر اساس شروع کار و تکامل مناطق فرهنگی استوار است. در بخش ۱ و ۲ به بررسی رابطه بین فرهنگ، به عنوان یک بیننده خوب و نظریه مارشالیون<sup>۸</sup> از مناطق صنعتی می‌پردازد. در بخش ۳ و ۴ از کتاب در مورد دو مدل از مناطق فرهنگی بحث می‌کند: منطقه صنعتی- فرهنگی (عمدتاً بر اساس فرهنگ محلی، و سنت‌های هنرهای تجسمی و صنایع دستی)، و منطقه نهادی- فرهنگی (عمدتاً بر اساس املاک انتساب حقوق و ارزش‌های نمادین). بخش ۵ به تجزیه و تحلیل با تمرکز ویژه بر انطباق دو مدل فرهنگی در مناطق توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه می‌پردازد.

احمدی، (۱۳۷۰)، در کتاب «روش برنامه‌ریزی»، که در سه قسمت به صورت گزارش تدوین شده است، در قسمت اول تعاریف فرهنگ و برنامه‌ریزی و در قسمت دوم سابقه برنامه‌ریزی فرهنگی (جامع) در ایران و جهان و هدف کلی و روش برنامه‌ریزی فرهنگی (جامع) و در قسمت سوم، برنامه‌ریزی فرهنگی (متداول و محدود) مورد بررسی کامل قرار گرفته است.

ساطعی، (۱۳۷۳)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «فرایند توسعه در بستر فرهنگ دینی» فرایند توسعه در بستر فرهنگ دینی را مورد بررسی قرار داده است. در فصل اول به تعاریفی از توسعه و فرهنگ و رابطه بین این دو و در فصل دوم به تبیین فرهنگ دینی پرداخته است.

موسایی، (۱۳۷۳)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «اسلام و عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی» برای پی بردن به رابطه فرهنگ و توسعه اقتصادی، ابتدا رابطه فرهنگ و

توسعه اقتصادی را مورد ارزیابی قرار داده است و سپس روابط خاص بین فرهنگ و توسعه و عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه اقتصادی را بررسی کرده است.

دوپوئی، (۱۳۷۴)، در کتاب «فرهنگ و توسعه» در مورد دو مفهوم توسعه فرهنگی و بُعد فرهنگی توسعه و مناسبات آنها با اقتصاد مطالعه می‌کند. کتاب حاضر پیرامون ویژگی متعارض یا تکمیلی مناسبات متقابل فرهنگ و توسعه بحث کرده است.

یونسکو، (۱۳۷۶)، در کتاب «فرهنگ و توسعه (رهیافت مردم‌شناختی توسعه)» به بررسی دوباره نقش فرهنگ در توسعه تلاش دارد. کل کار بر این اصل استوار است که در طول تاریخ و در میان همه فرهنگها، فرهنگ انسانی همواره پیوندی تنگاتنگ با توسعه داشته و این پیوستگی در سالهای اخیر در کشورهای در حال توسعه از هم گسیخته است. این نوشتار همچنین در پی آن است که نشان دهد سنن و رویه‌های فرهنگی اقوام می‌تواند مفید واقع شود.

زیاری، (۱۳۷۹)، در مقاله خود تحت عنوان «سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگی استانهای ایران» درجه توسعه یافتگی بخش فرهنگ در استانهای ایران را با توجه به ۲۳ شاخص انتخابی فرهنگی اندازه‌گیری نمود. نتایج نشان داد که استان تهران در میان استانهای کشور نسبت به سایر استانها ناهمگن است. از عوامل نابرابری فرهنگی استانها، نبود فرصت‌های برابر در منابع، وجود نظام برنامه‌ریزی مرکزگرا و بهره‌گیری از الگوهای توسعه «مرکز- پیرامون» عنوان شده است. در این تحقیق تخصیص بهینه منابع فرهنگی از پایین‌ترین استانها در نظام سلسله مراتبی توسعه و سپس ارائه فرصت‌های برابر منابع به عنوان دو راهبرد اساسی توسعه فرهنگی پیشنهاد گردید.

قمری، (۱۳۷۹)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «تأثیر تحولات فرهنگی بر توسعه اقتصادی: مورد ایران» پرداخته است. این تحقیق عوامل غیر اقتصادی به ویژه ارزش‌ها و فرهنگ (تحولات فرهنگی) را زمینه‌ساز توسعه اقتصادی می‌داند. در این تحقیق، مشخصاً به برخی از شاخص‌ها و ویژگی‌های ارزشی زمینه‌ساز توسعه اقتصادی پرداخته می‌شود و چگونگی تحولات در این نوع شاخص‌ها و رابطه آنها با توسعه اقتصادی ایران مورد تحلیل قرار می‌گیرد.



## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدیشت و خرداد ۱۳۹۳

- حسینی، (۱۳۸۱)، در مقاله خود تحت عنوان «بررسی تحلیلی برنامه اول و دوم توسعه در بخش فرهنگ و مقایسه آن با برنامه سوم توسعه کشور از حیث واقع بینی و اثربخشی»، برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران را به چهار دوره تقسیم کرد:
- از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۷ که بخش فرهنگ در آن جایگاه مستقل و مشخصی نداشت.
  - از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۶ که در این فاصله، بخش فرهنگ هویت مستقل و مشخصی یافت.
  - از انقلاب اسلامی تا ۱۳۶۸ که، جمهوری اسلامی فاقد سیاست و برنامه فرهنگی مدون بود.
  - از سال ۱۳۶۸ تا به امروز بخش فرهنگ دارای اهداف کیفی و کمی است.

### ۴. بنیان نظری (تعاریف واژه‌ها و مفاهیم، دیدگاه‌ها)

#### ۴-۱- تعریف و مفهوم فرهنگ

از فرهنگ تاکنون تعاریف مختلفی ارائه شده است و شاید بتوان گفت، علت اصلی آن هم تفاوت فرهنگی جوامع می باشد (ابوالقاسمی، محمد جواد، ۱۳۸۵، ص ۶۲) و (برونیسلاو مالینوفسکی، ۱۳۸۴، صص ۶۰-۵۴). در اینجا به تعاریفی اشاره شده است که مرتبط با موضوع تحقیق حاضر می باشد.

گرهارد و جین لسنکی در تعریف فرهنگ گفته اند: «فرهنگ عبارت است از مجموع نظام‌های نمادین جامعه و اطلاعات و پیام‌های مستتر در آنها» (پاپلی یزدی، محمدحسین، ابراهیمی، محمد امیر، ۱۳۸۱، ص ۴۱).

در نوزدهمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو توصیه نامه‌ای تحت عنوان «دسترس عموم به فرهنگ» تصویب شد که در آن فرهنگ چنین تعریف شده است: «مفهوم فرهنگ همه شکل‌های خلاقیت و بیان فردی و گروهی را چه در قالب طرز زندگی و چه در فعالیت هنری در بر می گیرد» (اردلان، ف، ۱۳۸۱ ص ۳۰).

فرهنگ در تعریف کوهن<sup>۹</sup> عبارت از دستاوردها، نهادها، عقاید و مجموعه‌ای از قواعد معاشرت و رفتارهای مرسوم است که جامعه آن را برای بهره‌برداری از نیروهای بالقوه موجود در زیستگاه خاص خویش به کار می گیرد (Cohen, 1964, PP: 552-529).

9- Cohen

در کلام لوین<sup>۱۰</sup> فرهنگ از نظام‌های فعالیت یک جمعیت و روش‌های بهره‌برداری آنها از سازمان اجتماعی، سیاسی، ارتباطات اقتصادی، زبان، آداب و رسوم، اعتقادات، قواعد، هنرها و یا هر چیز دیگری که از افراد دیگر یا از طریق اعمال آنها آموخته می‌شود، ترکیب شده است. این دیدگاه بر اهمیت کارکردی فرهنگ به عنوان مکانیزمی برای سازگاری و به عنوان واژه‌ای عمومی برای شناخت مجموعه راه‌هایی که یک جامعه روابط خود را با محیطش تنظیم می‌کند و همچنین به عنوان مجموعه‌ای از راه‌هایی که جامعه روابط خود را از درون سازماندهی می‌نماید، تأکید می‌ورزد (Levine, N. D, 1975, P: 213).

«ساترلند»<sup>۱۱</sup> می‌گوید: «فرهنگ شامل هر آن چیزی است که به بتواند از نسلی به نسلی فرا رسانده شود. فرهنگ یک قوم همان میراث اجتماعی آنست، به عبارتی کلیت هم-تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، اخلاقیات، قانون، فنون ابزار سازی و کاربرد آنها و روش فرا رساندن آنها».

«احمد طالب ابراهیمی» الجزایری از متفکران معاصر می‌گوید: «دانستن اینکه انسان به کدام سوی روان است همانقدر پر ارزش است که بدانیم از کدام سوی می‌آید و فرهنگ رابطه‌ای است که گذشته‌ها را به هم پیوند می‌دهد و جهش به سوی آینده را ممکن می‌سازد.» (نراقی، ۱۳۵۵، ص ۱۰۱).

در تعریف دیگری آمده است «فرهنگ مجموعه‌ای کلی از اجزای معنوی، مادی، فکری و عاطفی است که جامعه یا گروهی را متمایز می‌سازد. فرهنگ نه تنها در بردارنده هنر و ادبیات است که شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی بشر، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها را نیز شامل می‌شود» (یونسکو، ۱۳۷۶، صص ۱۵-۱۳).

همچنین آمده است، فرهنگ یک اصطلاح دارای بار ارزشی است. بر طبق این تعریف فرهنگ می‌تواند شامل: سیستم‌های اقتصادی، فرآیندها و ایدئولوژی‌های عمومی، مؤسسات علمی، برنامه‌های اجتماعی، محیط، سیستم‌های تکنولوژیکی، ورزش‌های تفریحی، فعالیت-های میراثی و هنری، صنایع حمل و نقل و ارتباطی، فعالیت‌های مذهبی و معنوی باشد. فرهنگ ایجاد کننده فعالیت هنری و ابزار و خدمات تولید شده توسط آن، و حفاظت از میراث انسانی می‌باشد

(Culture Statistics Program, 2004, PP: 81-595).

10- Levin

11- Suterland

دریافت توصیفی فرهنگ را می‌توان در نوشته‌های مورخان فرهنگی سده نوزدهم میلادی پیدا نمود. از این نظر فرهنگ عبارت است از مجموعه‌ای از باورها، آیین‌ها، اندیشه‌ها، ارزش‌ها و نیز مسایل، موضوعات و مقولات مادی که تک‌تک افراد به عنوان اعضای گروه یا اجتماع آنها را فرا می‌گیرند (نراقی، ۱۳۵۵، ص ۱۰۱).

#### ۲-۴- تعریف و مفهوم برنامه‌ریزی فرهنگی

برنامه‌ریزی فرهنگی عبارت است از: طراحی مجموعه‌ای از رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌ها، اقدامات و تدابیر برای مسائل فرهنگی بر اساس یک آینده‌محتمل و یا متصور. بر این اساس می‌توان گفت، برنامه‌ریزی فرهنگی ملاک تصمیم‌گیری‌های اجرایی در حوزه فرهنگ است. همچنین در تعریف دیگری آمده است: برنامه‌ریزی فرهنگی به معنای مأموریت ذاتی و یا دستوردهی در حوزه فرهنگ است. فرهنگ در این نگاه یک امر آزاد باید باشد که به دلخواه افراد جامعه تحولات و تغییراتش تصویر می‌شود. اکثر اندیشمندان غربی در این دسته هستند. نقطه مقابل کسانی هستند که کاملاً معتقد به برنامه‌ریزی دقیق و خط‌دهی فرهنگی می‌باشند. در این نگاه می‌توان کلیه امور فرهنگی را برنامه‌ریزی و اجرا نمود و در حقیقت فرهنگ را ساخت (گودرزی، ۱۳۸۶، صص ۲۸ و ۳۰).

عدم اطلاعات کافی راجع به فرهنگ ایرانیان از سویی و لزوم برنامه‌ریزی دقیق در حوزه فرهنگ برای ایجاد زمینه‌ای مناسب جهت اشاعه آن از سوی دیگر، ضرورت انجام پژوهشی فراگیر و با تکیه بر مبانی علمی را ایجاب می‌کند. پس باید در زمینه فرهنگ توجهات لازم صورت گیرد که این کار توسط برنامه‌ریزان فرهنگی انجام‌پذیر است. بنابراین در تعریف برنامه‌ریزی فرهنگی می‌توان گفت که برنامه‌ریزی فرهنگی عبارت است از مدیریت، کنترل و اجرا و همچنین عملیاتی نمودن برنامه‌های فرهنگی با در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های خاص مکانی.

#### ۳-۴- توسعه توسعه فرهنگی<sup>۲۰</sup>

---

<sup>۲۰</sup> cultural development

فرهنگ هر جامعه در طول زمان تغییر می کند و عمده ترین عامل این تغییر ارتباط و تعامل با فرهنگهای دیگر است که سبب شده تا برخی تکامل فرهنگی را معادل توسعه فرهنگی قلمداد کنند، حال اینکه تعامل فرهنگی ضرورتاً تکامل فرهنگی را به دنبال ندارد. عده ای دیگر نیز معتقدند که جهت دستیابی به توسعه مطلوب باید فرهنگ سنتی را به کناری نهاد و فرهنگ غرب را، که می پندارند تکامل یافته تر است، به عنوان فرهنگ غالب و مسلط پذیرفت، چرا که رفع نیازهای کنونی نیازمند بینش غربی است. در مقابل این گروه عده ای دیگر اعتقاد دارند که توسعه یعنی حفظ فرهنگ و تمدن بومی و محلی؛ ولی این گروه، نوسازی را نیز در کنار فرهنگ جهت رسیدن به توسعه ضروری می دانند. این نظریه برخورد فرهنگی را ضروری و اجتناب ناپذیر دانسته و در نتیجه تکامل فرهنگی را مستلزم توسعه فرهنگی می داند.

اگوستین ژیرارد معتقد است که در کشورهای در حال توسعه، در عین حال برای حفظ و توسعه فرهنگ ملی و نیز فراهم آوردن امکانات دستیابی به فرهنگ جهانی اقدام باید کرد. هر یک از این دو فرهنگ، زبان و نتیجتاً نوع فکر و ساختمانهای ذهنی خود را دارد. کوشش در یکی کردن این دو فرهنگ با فدا ساختن یکی به خاطر دیگری، موجب کاستی و فقر فرهنگی شده و کار باطل و واهی است (نراقی، یوسف، ۱۳۷۹، ص ۳۶).

برای نمایش توسعه فرهنگی می توان از شاخصهایی چون آموزش و بهداشت استفاده کرد. ارتقای این شاخصها بدون ارتباط با دیگر ملل و کسب تجارب مثبت آنها ممکن نیست و در این صورت می توان به سوی توسعه فرهنگی حرکت کرد. اولویت توسعه فرهنگی در مسیر توسعه غیر قابل انکار است. توسعه فرهنگی، توسعه اقتصادی را دنبال دارد. در حالی که توسعه اقتصادی منجر به توسعه فرهنگی نشده بلکه تسلط فرهنگی را دنبال دارد. تأکید بر توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم همواره هجوم فرهنگ غرب را با استفاده از نفوذ فنی و مادی موجب شده است. در مقابل، اهمیت بیشتر فرهنگ در روند توسعه می تواند اقتصاد را تقویت کند و از وابستگی اقتصادی بکاهد؛ برای مثال ارتقای فرهنگ به گونه ای که رعایت قوانین ره یه ارمغان آورد، کاهش تصادفات رانندگی و هزینه های مربوط به آن را به دنبال دارد که در این حالت می توان هزینه های بیشتری را در جهت افزایش سطح سواد و بهداشت، اشتغال و غیره صرف کرد (پاپلی یزدی، محمدحسین، ابراهیمی، محمد امیر، ۱۳۸۱، ص ۴۱).

اگر فرهنگ را عبارت از نظام مشترکی از باورها، ارزشها، رسم‌ها، رفتارها و موضوعاتی که اعضای یک جامعه در تطبیق با جهان‌شان و در رابطه با یکدیگر به کار می‌برند و از راه آموزش از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند بدانیم، توسعه فرهنگی را نیز ارتقاء و اعتلای زندگی فرهنگی در جامعه (دستیابی به ارزش‌های متعالی فرهنگی) می‌توان تعریف کرد، در رویکرد توسعه فرهنگی، توسعه انسانی و داشتن انسان‌های پویا، سرزنده، آگاه، درست‌کردار، ارزشگرا و ... اهداف اصلی توسعه قرار می‌گیرند.

#### ۴-۴- رابطه فرهنگ با توسعه و توسعه با فرهنگ

کارشناسان توسعه، فرهنگ و زندگی را جدایی ناپذیر می‌دانند؛ زیرا درک نیازهای جامعه، نیازمند توجه به عوامل فرهنگی است. اقتصاددانان نیز پذیرفته‌اند که توسعه واقعی، توسعه همه‌جانبه است و سخن گفتن از توسعه فرهنگی تنها لفظ و استعاره نیست، بلکه جزء جدا نشدنی توسعه است و امروزه اثر آن بیش از پیش روشن گردیده است.

رابطه فرهنگ و توسعه از دو دیدگاه قابل بررسی و حائز اهمیت است: اول اینکه فرهنگ را مجموعه‌ای بدانیم که در تمام عناصر عموماً مساعد یا مانع حرکت توسعه‌ای هستند، در این جایگاه، فرهنگ به عنوان یک مجموعه مؤثر بر فرآیند توسعه تلقی می‌شود، دوم اینکه فرهنگ را به عنوان مجموعه‌ای که در فرآیند توسعه، شکل گرفته و محصول توسعه تلقی می‌شود، بپذیریم. در حالت اول فرهنگ، از عوامل مؤثر بر توسعه است و در حالت دوم نتیجه توسعه حالت اول رابطه فرهنگ و توسعه را می‌توان به (فرهنگ توسعه) و حالت دوم را به (توسعه فرهنگی) تعبیر نمود (موسایی، ۱۳۷۹، ص ۴۴).

اگر در فرهنگ توسعه، انطباق فرهنگ با الگوی توسعه غرب یا هر الگوی دیگری مطمح نظر است، در توسعه فرهنگی، انطباق توسعه با فرهنگ مورد توجه است، چون در صورتی که توسعه به عنوان مقوله‌ای ارزشی، تاریخی و ایدئولوژی پردازشی باشد بهتر می‌تواند هدایتگر توسعه باشد تا بالعکس (افروغ، ۱۳۷۹، ص ۶۴).

وضعیت موجود جهان در زمینه توسعه نشان می‌دهد که توجه بیش از حد به جنبه اقتصادی توسعه در حاشیه قرار دادن توسعه اجتماعی و فرهنگی سبب برهم خوردن تعادل زیستی و در نتیجه مواجه شدن کشورها با بن‌بست جدی شده است. از این رو توسعه اجتماعی و اقتصادی باید همگام با توسعه فرهنگی به پیش برود و اصولاً جریان پیشرفت

اقتصادی در حوزه فرهنگی منعکس می‌شود و فعالیت فرهنگی، انگیزه زندگی اقتصادی است. به عبارت دیگر زیربنای توسعه حقیقی و پایدار، توسعه فرهنگی است و این ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

توسعه مقوله‌ای کیفی، جامع، چندبعدی، انسانی و اجتماعی است که از گذر نوسازی یعنی تغییرات پایدار فرهنگی - اجتماعی در ایستارها و ساختارهای (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی) در یک جامعه ناشی می‌شود. با توجه به تعریف توسعه می‌توان گفت که توسعه، در فرایند تلاش انسان برای ایجاد تعادل بین نیازها و خواسته‌های وی و امکانات بالفعل و بالقوه در جامعه و محیط زیست پدید می‌آید. تعامل انسان‌ها فرهنگ را در محیط پدید می‌آورد که به طور مداوم تکامل می‌یابد. فرهنگ به عنوان یک عامل تعیین کننده رفتاری همواره در عرصه اجتماع مطرح است (حقیقی، ۱۳۸۸: ۷۶)، چرا که در آن یک مجموعه عقاید، سنت‌ها، باورها، الگوهای رفتاری و در یک کلمه بینش انسان متبلور می‌باشد. این فرهنگ است که اولویت‌های انسان را در دستیابی به اهداف مادی و معنوی و معیار نیک و بد، صحیح و غلط، زشت و زیبا را معین می‌کند.

فرهنگ اجتماعات و جوامع را از هم متمایز می‌کند و به انسان‌ها حس هویت و تعلق خاطر، همبستگی، حق و تکلیف، وفاداری و ... می‌بخشد. مطالعه تاریخ تکامل فرهنگی در گذشته نشان می‌دهد که بدنبال انقلاب صنعتی، تغییرات عمده‌ای در کل ساختار نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه بشری رخ داده است. جهان در انقلاب بزرگ دیگری به نام انقلاب اطلاع‌رسانی قرار دارد که تأثیر آن بر ابعاد مختلف فرهنگی چند برابر می‌شود و نیاز است که تمامی جوامع همگام با رشد و گسترش علم و فناوری‌های جدید، فرهنگ جامعه خود را ارتقاء دهند و به توسعه همه جانبه برسند.

اگر فرهنگ را عبارت از نظام مشترکی از باورها، ارزشها، رسم‌ها، رفتارها و موضوعاتی که اعضای یک جامعه در تطبیق با جهان‌شان و در رابطه با یکدیگر به کار می‌برند و از راه آموزش از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند، بدانیم، توسعه فرهنگی را نیز ارتقاء زندگی و دستیابی به ارزش‌های متعالی فرهنگی در جامعه می‌توان تعریف کرد، در رویکرد توسعه فرهنگی، توسعه انسانی و داشتن انسان‌های پویا، سرزنده، آگاه، درست‌کردار، ارزشگرا و ... اهداف اصلی توسعه قرار می‌گیرند.

اهمیت و ضرورت توجه به توسعه فرهنگی در جوامع از یک سو به نقش کارکردی فرهنگ بر می‌گردد، به عنوان نمونه اگر بپذیریم که انسان‌ها از آن روی بر کالاها و خدمات (حتی نوع اجتماعی و فرهنگی آن) ارزش قایل هستند که کالاها و خدمات به آنان امکان می‌دهد تا آن طور که می‌خواهند زندگی کنند، این امر به ناگزیر به فرهنگ و اوضاع اجتماعی‌شان بر می‌گردد. افزون بر این فرهنگ الهام بخش هدف‌هایی است که به زندگی-مان معنا می‌بخشد. این ماهیت دوگانه فرهنگ نه تنها موجب رشد اقتصادی می‌شود، بلکه به هدف‌های دیگری همچون حفظ انسجام اجتماعی در عین تکثر فرهنگی و ارتقای ارزش-های انسانی و معنوی بدون قربانی کردن بخشی از ارزش‌ها و ظرفیت‌های انسانی و تقویت نهادهای جامعه مدنی یاری می‌رساند. فرهنگ در بسیاری از موارد نه تنها راه رسیدن به اهداف دیگر توسعه است، حتی مهمتر از آن، بنیاد هویتی و معنایی تمامی آرزوها و اهداف زندگی نیز هست (جردن و راونتري، ۱۳۸۰، ص ۴۴). زیرا فرهنگ است که تعیین می‌کند اعضای آن فرهنگ، رابطه‌شان را با محیط و مردم درون و بیرون فرهنگ‌شان چگونه تنظیم و حفظ کنند. فرهنگ است که معین می‌سازد، چگونه اطلاعات دریافتی از محیط، روش تفسیر و روش مورد استفاده آن را درک کرده و به کار بریم. به عبارت دقیق‌تر، فرهنگ واقعیت را برایمان معنا می‌کند (تری یاندیس، ۱۳۷۸، ص ۴۴).

#### ۴-۵- شناسایی و معرفی برخی از مهمترین معرف‌های عوامل، عناصر، متغیرها و مؤلفه‌های فرهنگی تأثیر گذار در جریان توسعه:

##### ۴-۵-۱- پیش درآمد:

چنانچه می‌دانیم و قبلاً نیز تأکید شد، توسعه یک فرایند چند بعدی است که در آن عوامل مختلف محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... به صورت توأمان مطرح می‌باشند. لذا در علت یابی توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی جوامع الزاماً می‌بایست با دیدگاهی یکپارچه تمام عوامل فوق را مورد کنکاش، مذاقه و مطالعه قرار داد. اساساً در جریان توسعه پایدار و یکپارچه همه جوامع همواره دو گروه از عوامل، یکی در نقش پیش برنده و دیگری در نقش عقب برنده ظهور و بروز داشته و جریان توسعه این جوامع را تحت تأثیر خود یا تقویت کرده و تسریع بخشیده و یا تضعیف کرده و آن را با اخلال مواجه کرده و می‌نماید. توضیح ضروری اینکه، ساختارهای محیطی، اقتصادی،

اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... جوامع متفاوت بوده، لذا کارکرد ویژه و خاص هر جامعه را نیز می‌توان انتظار داشت. بنابراین به عنوان یک اصل باید پذیرفت که عوامل، عناصر، متغیرها و مؤلفه‌های پیش برنده و عقب برنده جریان توسعه در هر جامعه و در ذیل هر کدام از ساختارهای فوق الذکر می‌تواند متفاوت باشد.

بررسیها نشان می‌دهد، وجه غالب ساختارهای محیطی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... جوامع توسعه نیافته و از جمله کشور ایران، بدان صورت است که همواره عوامل، عناصر، متغیرها و مؤلفه‌های عقب برنده جریان توسعه نسبت به عوامل، عناصر، متغیرها و مؤلفه‌های پیش برنده جریان توسعه، بیشتر استیلا داشته است. و لذا توجه به این اصل در در علت یابی توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی جوامع ضروری می‌باشد (ستاری‌فر، محمد، ۱۳۷۴، صص ۱۰۲-۲۶).

از این رو قبل از اجرای هر نوع عملیات توسعه و بویژه در هنگام تهیه و تدوین الگوی جدید توسعه و معالاً تدوین اسناد توسعه درازمدت، در چنین جوامعی، می‌بایست برای آماده سازی شرایط، ملزومات و تأمین پیش نیازهای آن اقدام شود. درواقع ایجاد و ساخت فضای لازم برای اجرای موفقیت آمیز عملیات توسعه به عنوان اولین گام در این راستا اجتناب ناپذیر می‌نماید.

در بین صاحب نظران و اندیشمندان امر توسعه، تقریباً بر سر این موضوع که عوامل، عناصر، متغیرها و مؤلفه‌های فرهنگی - به عنوان مجموعه ارزشها، باورها و هنجارهای پایدار مورد قبول جامعه - از جمله مهمترین ملزومات و پیش نیازهای اجرای موفقیت آمیز توسعه (از این جهت که با ارتقاء دانش، بینش، ظرفیت، و آمادگی لازم برای پذیرش تغییر، تحول و اصول کلی توسعه را در آحاد مردم ایجاد می‌کند) از جمله مهمترین ملزومات و پیش نیازهای اجرای عملیات توسعه بشمار رفته و می‌بایست به آن توجه شود اختلاف نظری وجود ندارد.

این اتفاق نظر در بین صاحب نظران توسعه در کشور ایران و بویژه در شرائط امروز و با در نظر گرفتن آرمان‌ها و اهداف متعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی که بدون شک تعالی مادی و معنوی انسان‌ها را در کنار هم مد نظر دارد و علی‌الخصوص در آستانه تهیه و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که اتفاقاً اجماع بسیار خوبی پیرامون آن نیز وجود دارد، برجسته تر می‌نماید. براین اساس، موضوع اصلی این تحقیق تبیین و تحلیل مقوله



فرهنگ و مناسبات آن با توسعه و پیشرفت در ایران می باشد. در این راستا مقاله حاضر به شناسایی، معرفی و سپس تبیین و تحلیل برخی از مهمترین معرف های عوامل، عناصر، متغیر ها، و مؤلفه های فرهنگی دخیل در جریان توسعه می پردازد.

با مطالعه متون و ادبیات نوشتاری در حوزه اندیشه توسعه و به موازات آن کنکاش در ادبیات و فرهنگ عامه، تدبر در ارزشها، باورها، باید ها و نبایدها، آداب و رسوم و ... حاکم بر جوامع و نیز با تمرکز بر ادبیات و گفتمان محاوره ای حاکم بر مراودات روزمره آحاد جامعه و مهمتر از همه رصد الگو های رفتاری شهروندان به برخی از باورها و نگرشها که غالباً نیز در رفتار تک تک آنها نمود یافته و در موقعیت های خاص ظهور و بروز می یابد بر می خوریم که می توان آنها را از حیث موافقت (تقویت کننده و پیش برنده جریان توسعه) و یا مخالفت با جریان تحولخواه توسعه (تضعیف کننده و عقب برنده جریان توسعه) مورد ارزیابی، تبیین و تحلیل علمی قرار داده و معرفی نمود. بدیهی است این معر فها به عنوان یک میزان سنج و شاخص برای تطبیق و تشخیص نسبت ارزشها، باورها، باید ها و نبایدها، آداب و رسوم و نیز الگوهای رفتاری حاکم بر جوامع از حیث پیش برنده و یا عقب برنده بودن جریان توسعه حائز اهمیت می باشند.

بر این اساس، مطالعات لازم صورت گرفت، و در نهایت لیستی از برخی از مهمترین معرف های عوامل، عناصر، متغیر ها، و مؤلفه های فرهنگی دخیل در جریان توسعه (هم پیش برنده و هم عقب برنده جریان توسعه) تهیه گردید. به منظور فهم بهتر موضوع، معرف های فوق حتی المقدور به صورت قرینه و در سه حوزه کلی ایست می شوند که این سه حوزه عبارتند از:

- ۱ - پویایی فکری و عقلی و در مقابل آن جمود فکری و عقلی
  - ۲ - عادات، رسوم و سنن آگاهی بخش و در مقابل آن عادات، رسوم و سنن بسته
  - ۳ - پویایی مذهب و باورهای دینی و در مقابل آن ایستایی مذهب و باورهای دینی
- در ادامه معرف های هر سه حوزه کلی فوق به صورت جداگانه فهرست شده و در قالب جداول ۱ تا ۳ و به طور جداگانه ارائه می گردند.

۲-۵-۴- برخی از مهمترین معرف های عوامل، عناصر، متغیر ها، و مؤلفه های فرهنگی دخیل در جریان توسعه در حوزه پویایی فکری و عقلی و در مقابل آن جمود فکری و عقلی

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

ارده‌بشت و خرداوا ۱۳۹۳

### ۱-۲-۵-۴- پویایی فکری و عقلی ( تقویت کننده و پیش برنده جریان توسعه)

شامل:

- عقل‌گرایی و خردگرایی: عقل ، ضابط تکلیف ، معیار قبولی عبادات ، عیار استنباط احکام ، وسیله درک مصالح و مفاسد و حسن و قبح اعمال ، وسیله درک و شناخت شریعت و دین برتر و کامل تر ، میزان شناخت حق از باطل ، عامل حیات و بقای شریعت ، ملاک حسابرسی در روز جزا ، منبع مطمئن درک و کشف بسیاری از احکام و حقایق ، ضامن تشخیص صواب از ناصواب و غیر آن می باشد و آدمی را از ورطه امارت ، جهالت ، عصیان و خذلان نجات می دهد.
- رونق تفکر، تفکر باز.
- جهان‌گرایی و جهان‌شناسی- جهانی فکر کردن و محلی عمل کردن- توجه به شرایط همواره در حال تغییر مناسبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی و...- آینده‌نگری، عاقبت اندیش و عبرت‌گیری.
- پویایی افکار، نوخواهی، اصلاح‌پذیری و حساس به زمان و سرنوشت خود و جامعه.
- ارتقاء سطح آگاهی، بینش دینی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...مردم.
- ارتقاء ظرفیت‌های علمی و فناوری و در نتیجه تولید، نشاط و بالنگی علمی.
- تحقیق باز و مناسب شرایط زمانی و مکانی.
- توان اشاعه و تعامل با فرهنگ جدید.
- انسان‌گرایی معقول.
- انسان‌گرایی و آرمان‌خواهی در ادبیات، هنر، موسیقی، ...
- وجود قشر روشنفکر متعهد و تکریم آنها.
- استقلال فکری و باز بودن باب خرد و حکمت.

### ۲-۲-۵-۴- جمود فکری و عقلی (تضعیف کننده و عقب برنده جریان توسعه)

شامل:

- قشری‌گری- تحجر و ارتجاع. -
- رکود تفکر و تفکر بسته، التقاط فکری و اعتقادی.
- اعتقاد به سحر و جادو و اشاعه جهل.

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

- اعتقاد به تغییرناپذیر بودن سنن جامعه.
  - بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت خود، جامعه و محیط پیرامون.
  - بحث و جدل‌های بیهوده ساسی، قومی، قبیله‌ای، گروهی و جناحی.
  - توقف مباحث علمی، رواج خرافات، رویه آزمون و خطا، شرط بندی، فال‌گیری و پیشگویی‌ها و غیب‌گوی‌های عوام فریبانه.
  - تحقیق مضبوط و بسته.
  - مخالفت مطلق با فرهنگ بیگانه یا تسلیم و خودباختگی کامل در برابر آن.
  - نقل به جای تفکر و علم و عقل.
  - رواج بحث‌های کلامی مجرد از زمان و مکان.
  - مشغولیات ذهنی غیرعلمی بین مردم و مسئولین.
  - وابستگی فکری و فاصله گرفتن علم و هنر از مردم.
- جدول شماره (۱): برخی از مهمترین معرف‌های عوامل، عناصر، متغیرها، و مؤلفه‌های فرهنگی دخیل در جریان توسعه در حوزه پویایی فکری و عقلی و در مقابل آن جمود فکری و عقلی را نشان می‌دهد.

# سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

## واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

ردیف	پویایی فکری و عقلی تقویت کننده و پیش برنده جریان توسعه	ردیف	جمود فکری و عقلی تضعیف کننده و عقب برنده جریان توسعه
۱	- عقل‌گرایی و خردگرایی: عقل، ضابط تکلیف، معیار قبولی عبادات، عیار استنباط احکام، وسیله درک مصالح و مفاسد و حسن و قبح اعمال، وسیله درک و شناخت شریعت و دین برتر و کامل تر، میزان شناخت حق از باطل، عامل حیات و بقای شریعت، ملاک حسابرسی در روز جزا، منبع مطمئن درک و کشف بسیاری از احکام و حقایق، ضامن تشخیص صواب از ناصواب و غیر آن می باشد و آدمی را از ورطه امارت، جهالت، عصیان و خذلان نجات می دهد.	۱	- قشری‌گری - تحجر و ارتجاع
۲	- رونق تفکر، تفکر باز	۲	- رکود تفکر و تفکر بسته، التقاط فکری و اعتقادی
۳	جهان‌گرایی و جهان‌شناسی - جهانی فکر کردن و محلی عمل کردن - توجه به شرایط همراه در حال تغییر مناسبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی و...	۳	- اعتقاد به سحر و جادو و اشاعه جهل
۴	- آینده‌نگری، عاقبت اندیش و عبرت گیری ا	۴	- اعتقاد به تغییرناپذیر بودن سنن جامعه
۵	- پویایی افکار، نخواستی، اصلاح پذیری و حساس به زمان و سرنوشت خود و جامعه	۵	- بی تفاوتی نسبت به سرنوشت خود، جامعه و محیط پیرامون
۶	ارتقاء سطح آگاهی، بینش دینی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... مردم	۶	- بحث و جدل‌های بیپوده، ساسی، قومی، قبیله ایی، گروهی و جناحی
۷	- ارتقاء ظرفیت‌های علمی و فناوری و در نتیجه تولید، نشاط و بالنگی علمی	۷	- توقف مباحث علمی، رواج خرافات، رویه آزمون و خطا، شرط بندی، فال گیری و پیشگویی ها و غیب گوی های عوام فریبانه
۸	- تحقیق باز و مناسب شرایط زمانی و مکانی	۸	- تحقیق مضبوط و بسته
۹	- توان اشاعه و تعامل با فرهنگ جدید	۹	- مخالفت مطلق با فرهنگ بیگانه یا تسلیم و خودباختگی کامل در برابر آن
۱۰	- انسان‌گرایی معقول	۱۰	- نقل به جای تفکر و علم و عقل
۱۱	- انسان‌گرایی و آرمان‌خواهی در ادبیات، هنر، موسیقی، ...	۱۱	- رواج بحث‌های کلامی مجرد از زمان و مکان
۱۲	- وجود قشر روشنفکر متعهد و تکریم آنها	۱۲	- مشغولیات ذهنی غیرعلمی بین مردم و مسئولین
۱۳	- استقلال فکری و باز بودن باب خرد و حکمت	۱۳	- وابستگی فکری و فاصله گرفتن علم و هنر از مردم

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

جدول شماره (۱): برخی از مهمترین معرف‌های عوامل، متغیرها، و مؤلفه‌های فرهنگی دخیل در جریان توسعه در حوزه پویایی فکری و عقلی و در مقابل آن جمود فکری و عقلی { (مآخذ: ستاری‌فر، محمد، ۱۳۷۴، صص ۱۰۲-۱۲۶)، همراه با برخی توضیحات و اشارات اضافی از محقق - دکتر غریب فاضل‌نیا، (۱۳۹۲) }

۳-۵-۴- برخی از مهمترین معرف‌های عوامل، عناصر، متغیرها، و مؤلفه‌های فرهنگی دخیل در جریان توسعه در حوزه پویایی مذهب و باورهای دینی و در مقابل آن ایستایی مذهب و باورهای دینی عبارتند از:

۱-۳-۵-۴- پویایی مذهب و باورهای دینی (تقویت‌کننده و پیش‌برنده جریان توسعه) شامل:

- جهان‌بینی باز و واقع‌گرا: - ارائه شناخت کامل از ابعاد هستی (مادی و غیر مادی). - ارائه معرفتی ثابت و پایدار. - پاسخ به سئوالات اساسی بشری. - قابل دفاع بودن از نظر عقلی و منطقی. - هدف بخشیدن به زندگی و جلوگیری از پوچی. - بیداری حس مسئولیت نسبت به سرنوشت خود و جامعه. - شوق انگیزی و نشاط آفرینی.

- مذهب مشوق دنیا و آخرت توأم با یکدیگر.

- پویایی و اصلاح استنباطات مذهبی و به روز کردن آن در جهت پاسخگویی به نیازهای همواره در حال تغییر بشر.

- مذهب تحکیم‌بخش اخلاق فردی، استوار کردن پایه اخلاقیات، نظم و مسئولیت‌پذیری فردی در خانواده و جامعه.

- مذهب مشوق قناعت و بهره‌وری، پرهیز از هرگونه اسراف و تبذیر. (وجود عقایدی که اسراف و اتلاف را به هر شکل مردود بداند و موافق اندوختن و کاربرد سرمایه در تولید باشد).

- مذهب مشوق فرهنگ سپاس و تکریم.

- مذهب تحکیم‌بخش و مشوق حقیقت‌جویی و واقع‌گرایی و لذا پرهیز از: عناد، لجاج، تعصب، تقلیدهای کورکورانه، جانبداریها و خودخواهی‌ها، از این جهت که بر خلاف حقیقت‌جویی و واقع‌گرایی است.

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

- مذهب مشوق پندار نیک، گفتار نیک و کردار و عمل نیک با قید انجام صادقانه آن و پرهیز از تظاهر، ریا کاری، غلو و بزرگ جلوه دادن کارهای کوچک و کوچک جلوه دادن کارهای بزرگ.
- مذهب و نوع نگرش به ثروت و مال اندوزی، مطلوب دانستن ثروت از نظر مذهب.
- مذهب در کنار علم و دانش و مشوق مردم برای کسب علم و دانش و فنون. (وجود معتقداتی که تحصیل علم و کسب فن را قدر شناسد و نیاز و شوق دانایی و کاردانی را در دلها بیدار کند).
- مذهب تحکیم بخش و استوار کننده پایه اخلاقیات، نظم و انضباط در خانواده و جامعه.
- مذهب مشوق کار و تلاش، خوشخو کردن مردم و دور کردن مردم از عادات زشت و ناپسند (وجود عناصری در فرهنگ دینی و ملی و نیز در بافت کلی جامعه که امید و انگیزه بهتر شدن و خوشتر زیستن و ارتقاء یافتن را در درون افراد پرورش دهد).
- مذهب مشوق تلاشهای جمعی، یکپارچه گی، اتحاد و همکاری، دیگر خواهی، همه خواهی.

### ۲-۳-۴-۵- ایستایی مذهب و باور های دینی (تضعیف کننده و عقب برنده جریان توسعه) شامل:

- جهان بینی بسته، انحرافی و التقاطی.
- محدود شدن مذهب به قشریات و احکام عبادی صرف، مدح آخرت، مذمت دنیا و ترویج قناعت پیشگی صرف و راضی به وضع موجود شدن و اکتفاء به داشته‌ها (افت روحیه تحول پذیری، تحرک و انگیزه تلاش برای بهتر شدن).
- تقید صرف به ظواهر شریعت، عدم پویایی اندیشه دینی، و در نتیجه جمود و رکود فکری در شناخت معارف دینی و در نهایت غلطیدن در ورطه التقاط و انحراف.
- فروریزی پایه و اساس اخلاقیات فردی، خانوادگی و اجتماعی.
- رقابت در مصرف بیشتر و به عبارت دیگر اسراف و تبذیر به نوعی اتلاف سرمایه. (حاکمیت فرهنگ اسراف و تبذیر در شئون و امور مختلف و حتی در امور مربوط به دین و مراسم مذهبی).
- رواج فرهنگ تخریب، تحقیر و استحضاء.

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

- مذهب در کنار سحر و جادو، عنادورزی جانبداریهای غیر منطقی و متعصبانه.
  - محدود شدن مذهب به برخی پند و اندرزها و سفارش‌ها و به خصوص عدم پایبندی به احکام شریعت و دین توسط آمرین و مبلغین.
  - مذهب و توجیه ابدی دادن به فقر.
  - مذهب علیه نوآوری، مذهب در مقابل علم و ضدیت با آن.
  - کشمکش و جدال دینی بین مردم.
  - سستی، تنبلی و تسلیم محض تقدیر.
  - رواج عزلت‌گزینی‌ها، خودخواهی‌ها، تفرقه افکنی و ترجیح منافع شخصی بر منافع جمع.
- جدول شماره (۲): برخی از مهمترین معرف‌های عوامل، عناصر، متغیرها، و مؤلفه‌های فرهنگی دخیل در جریان توسعه در حوزه پویایی مذهب و باورهای دینی و در مقابل آن ایستایی مذهب و باورهای دینی را نشان می‌دهد.

# سومین کنفرانس آکادمی اسلامی ایرانی مشرف

## واکاوی مضامین و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی مشرف

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

**جدول شماره (۲):** برخی از مهمترین مؤلفه های فرهنگی دخیل در جریان توسعه در حوزه پویایی مذهب و باورهای دینی و در مقابل آن ایستایی مذهب و باورهای دینی { مآخذ: ستاری فر، محمد، ۱۳۷۴، صص ۱۰۲-۲۶، همراه با برخی توضیحات و اشارات اضافی از محقق - دکتر غریب فاضل نیا، ۱۳۹۲ }

ردیف	پویایی مذهب و باور های دینی تقویت کننده و پیش برنده جریان توسعه	ردیف	ایستایی مذهب و باور های دینی تضعیف کننده و عقب برنده جریان توسعه
۱	- جهان بینی باز و واقع گرا؛ - ارائه شناخت کامل از ابعاد هستی (مادی و غیر مادی) - ارائه معرفتی ثابت و پایدار - پاسخ به سئوالات اساسی بشری (شوق انگیزی و نشاط آفرینی) - قابل دفاع بودن از نظر عقلی و منطقی - هدف بخشیدن به زندگی و جلوگیری از پوچی - بیداری حس مسئولیت نسبت به سرنوشت خود و جامعه	۱	- جهان بینی بسته، انحرافی و التقاطی.
۲	- مذهب مشوق دنیا و آخرت توأم با یکدیگر	۲	- محدود شدن مذهب به قشریات و احکام عبادی صرف، مدح آخرت، مذمت دنیا و ترویج قناعت پیشگی صرف و راضی به وضع موجود شدن و اکتفاء به داشته‌ها (افت روحیه تحول پذیری، و انگیزه تلاش برای بهتر شدن).
۳	- پویایی و اصلاح استنباطات مذهبی و به روز کردن آن در جهت پاسخگویی به نیاز های همواره در حال تغییر بشر	۳	- تقید صرف به ظواهر شریعت، عدم پویایی اندیشه دینی، و در نتیجه جمود و رکود فکری در شناخت معارف دینی و در نهایت غلطپیدن در ورطه التقاط و انحراف.
۴	- مذهب تحکیم بخش اخلاق فردی، استوار کردن پایه اخلاقیات، نظم و مسئولیت پذیری فردی در خانواده و جامعه	۴	- فروریزی پایه و اساس اخلاقیات فردی، خانوادگی و اجتماعی
۵	- مذهب تحکیم بخش اخلاق خانوادگی	۵	- فروریزی پایه و اساس اخلاقیات فردی، خانوادگی و اجتماعی
۶	- مذهب تحکیم بخش اخلاق اجتماعی	۶	- فروریزی پایه و اساس اخلاقیات فردی، خانوادگی و اجتماعی
۷	- مذهب مشوق قناعت و بهره وری، پرهیز از هرگونه اسراف و تبذیر. وجود عقایدی که اسراف و اتلاف را به هر شکل مردود بداند و موافق اندوخته کردن و کاربرد سرمایه در تولید باشد.	۷	- رقابت در مصرف بیشتر و به عبارت دیگر اسراف و تبذیر به نوعی اتلاف سرمایه به عبارت دیگر حاکمیت فرهنگ اسراف و تبذیر در شئون و امور مختلف و حتی در امور مربوط به دین و مراسم مذهبی
۸	- مذهب مشوق فرهنگ سپاس و تکریم	۸	- رواج فرهنگ تخریب، تحقیر و استحضاء.
۹	- مذهب تحکیم بخش و مشوق حقیقت جویی و واقع گرایی، پرهیز از: عناد، لجاج، تعصب و تقلید های کورکورانه، و خودخواهی ها.	۹	- مذهب در کنار سحر و جادو، عنادورزی جانبداریهای غیر منطقی و متعصبانه
۱۰	- مذهب مشوق پندار نیک، گفتار نیک و کردار و عمل نیک با قید انجام صادقانه آن و پرهیز از تظاهر، ریا کاری، غلو و بزرگ جلوه دادن کارهای کوچک و کوچک جلوه دادن کارهای بزرگ.	۱۰	- محدود شدن مذهب به برخی پند و اندرزها و سفارش ها و به خصوص عدم پابندی به احکام شریعت و دین توسط آمرین و مبلین
۱۱	- مذهب و نوع نگرش به ثروت و مال اندوزی، مطلوب دانستن ثروت از نظر مذهب	۱۱	- مذهب و توجه ابدی دادن به فقر
۱۲	- مذهب در کنار علم و دانش و مشوق مردم برای کسب علم و دانش و فنون - وجود معتقداتی که تحصیل علم و کسب فن را قدر شناسد و نیاز و شوق دانایی و کاردانی را در دلها بیدار کند.	۱۲	- مذهب علیه نوآوری، مذهب در مقابل علم و ضدیت با آن
۱۳	- مذهب تحکیم بخش و استوار کننده پایه اخلاقیات، نظم و انضباط در خانواده و جامعه	۱۳	- کشمکش و جدال دینی بین مردم
۱۴	- مذهب مشوق کار و تلاش، خوشخو کردن مردم و دور کردن مردم از عادات زشت و ناپسند، وجود عناصری در فرهنگ دینی و ملی و نیز در بافت کلی جامعه که امید و انگیزه بهتر شدن و خوشتر زیستن و ارتقاء یافتن را در درون افراد پرورش دهد	۱۴	- سستی، تنبلی و تسلیم محض تقدیر
۱۵	- مذهب مشوق تلاشهای جمعی، وحدت، یکپارچه گی، اتحاد و همکاری، دیگر خواهی، همه خواهی	۱۵	- رواج عزلت گزینی ها، خودخواهی ها، تفرقه افکنی و ترجیح منافع شخصی بر منافع جمع.



۴-۵-۴- برخی از مهمترین معرف های عوامل، عناصر، متغیر ها، و مؤلفه های فرهنگی دخیل در جریان توسعه در حوزه عادات، رسوم و سنن آگاهی بخش و در مقابل آن عادات، رسوم و سنن.

۴-۵-۴-۱- عادات، رسوم و سنن آگاهی بخش (تقویت کننده و پیش برنده جریان توسعه) شامل:

- تعصب آگاهانه توأم با خرد.
- دلبستگی به دانش و کسب آگاهی، تعمیق بینش و نگرش واقع بینانه.
- بها دادن به اوقات فراغت مناسب و جهت‌دار.
- درستکاری، و تلاش فردی، خانوادگی و اجتماعی.
- خط و زبان واحد در جامعه.
- برابری انسانها، حذف فاصله طبقاتی، تحکیم و باز بودن تحرک اجتماعی و اقتصادی.
- مسئولیت پذیری، خدمتگذاری بی منت، مطابق با قانون و ضوابط، ضابطه مندی نظام انتصابات، پاداشها و تشویق ها.
- قانون پذیری، قانون گرایی و رعایت قانون در همه سطوح.
- روحیه وحدت خواهی، و مشارکت در فعالیتهای جمعی.
- حیات معنوی و شوق مشترک داشتن.
- شهامت طلبی مردم و اعتماد به نفس.
- قناعت رشداپنده.
- ارتقای سطح ارزش های انسانی، مروت، مردانگی و جوانمردی، انصاف، خوش خلقی و حسن برخورد، خویشتنداری، احسان و گذشت.
- آزاد بودن، آزاد اندیشیدن، آزاد گفتن، آزاد کوشیدن در چارچوب حقوق شهروندی.
- بها دادن به سرمایه های انسانی: تکریم، احترام و پاسداشت ارباب فکر، قلم، اندیشمندان، هنرمندان، ورزشکاران، نخبه گان پیش کسوتها، ریش سفیدان، بزرگترها و...
- اهمیت دادن به وقت و استفاده کارآمد از آن.

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

- باروری معنوی و اقتدار و توانائی آن.
- تعامل و تبادلات فرهنگی (تأثیرگذاری فرهنگی).
- خستگی‌ناپذیری، نشاط و امیدواری واقع‌گرایانه.
- صلح‌خواهی و آرامش‌طلبی و عقلانیت رفتاری.
- حس میهن‌پرستی، تعلق خاطر به سرزمین، داشتن تعصبات معقول دینی، قومی و محلی.
- استحکام عقاید، بینش، رفتار و منش مذهبی.
- فرهنگ انعطاف‌پذیر و پویا، انطباق و هماهنگی با شرایط زمان و نوع نیاز بشر.
- نوع‌آوری و خلق و تولید آثار جدید و نو.
- تعلق خاطر و احساس عضویت در جامعه، تقویت روحیه همه‌خواهی و جمع‌گرایی.

### ۲-۴-۵-۴- عادات، رسوم و سنن بسته (تضعیف‌کننده و عقب‌برنده جریان توسعه) شامل:

- تعصبات غیرمنطقی دینی، قومی، قبیله‌ای و محلی.
- عدم دلبستگی به دانش.
- خوش‌گذرانی زیاد.
- رفتارهای دیکتاتوری و استبدادی فردی، خانوادگی، و جمعی.
- وجود زبان‌ها و خطوط مختلف در جامعه.
- حاکمیت فرهنگ طبقاتی و اشرافی.
- حاکمیت و رواج فرهنگ تزویر و ریا، تملق، چاپلوسی، دروغ‌گوئی، اختلاس، ارتشاء و دزدی
- قانونگریزی، پارتی‌بازی و متوسل شدن به روشهای غیر قانونی.
- روحیه تفرقه و تفرقه‌جوئی در جامعه.
- ساده‌لوح بودن مردم.
- رخوت، سستی عقاید و و پایین بودن عزت نفس و قدرت اراده مردم.
- تجمل‌پرستی

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

- افت وجوه و خصلتهای انسانی و در واقع سقوط ارزشهای انسانی.
  - حاکمیت جو خفقان، سانسور.
  - بی تفاوتی نسبت به سرمایه های انسانی جامعه.
  - بی ارزشی وقت و هدر دادن و تلف کردن آن.
  - بی تفاوتی نسبت به حیات معنوی.
  - تأثیرپذیری فرهنگی.
  - ناامیدی، سرخوردگی و عدم اطمینان.
  - جنگ طلبی، خشونت طلبی، آشوبگری و روحیات پرخاشگرایانه.
  - احساس لا مکانی، لا وطنی و لا هویتی.
  - لامذهبی و یا تظاهر به دین، آشفتگی و سستی در عقاید، لجام گسیختگی و بی قیدی، بی بند و باری، فسق و فجور.
  - صرف حاکم بودن فرهنگ افواهی (دور هم نشستن و گپ زدن) خونگرفتن با فرهنگ نوشتاری، مکتوبات، جراید، مجلات و روزنامه و کتاب..
  - تکرار تجارب، غالباً انجام امور بر اساس قاعده آزمون و خطا.
  - روحیه خودخواهی و خود محوری و فردگرایی. و...
- جدول شماره (۳): برخی از مهمترین معرف های عوامل، عناصر، متغیر ها، و مؤلفه های فرهنگی دخیل در جریان توسعه در حوزه عادات، رسوم و سنن آگاهی بخش و در مقابل آن عادات، رسوم و سنن بسته را نشان می دهد.

# سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

## واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سویی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

ردیف	عادات، رسوم و سنن آگاهی بخش تقویت کننده و پیش برنده جریان توسعه	ردیف	عادات، رسوم و سنن بسته تضعیف کننده و عقب برنده جریان توسعه
۱	تعصب آگاهانه توأم با خرد	۱	تعصبات غیرمنطقی دینی، قومی، قبیله ایی و محلی
۲	دل بستگی به دانش و کسب آگاهی، تعمیق بینش و نگرش.	۲	عدم دل بستگی به دانش
۳	بها دادن به اوقات فراغت مناسب و جهت دار	۳	خوش گذرانی زیاد
۴	درستکاری، و تلاش فردی	۴	رفتارهای دیکتاتوری و استبدادی فردی
۵	درستکاری و تلاش خانوادگی	۵	رفتارهای دیکتاتوری و استبدادی خانوادگی
۶	درستکاری و تلاش اجتماعی	۶	رفتارهای دیکتاتوری و استبدادی جمعی
۷	خط و زبان واحد در جامعه	۷	وجود زبان‌ها و خطوط مختلف در جامعه
۸	برابری انسانها، حذف فاصله طبقاتی - تحکیم و باز بودن تحرک اجتماعی و اقتصادی	۸	حاکمیت فرهنگ طبقاتی و اشرافی
۹	مسئولیت پذیری، خدمتگذاری بی منت، مطابق با قانون و ضوابط - ضابطه مندی نظام انتصابات، پاداشها و تشویق ها	۹	حاکمیت و رواج فرهنگ تزویر و ریا، تملق، چاپلوسی، دروغ گوئی، اختلاس، ارتشاء و دزدی
۱۰	قانون پذیری، قانون گرایی و رعایت قانون.	۱۰	قانونگریزی، پارتی بازی و متوسل شدن به روشهای غیر قانونی
۱۱	روحیه وحدت خواهی، و مشارکت در فعالیتهای جمعی	۱۱	روحیه تفرقه و تفرقه جوئی در جامعه
۱۲	حیات معنوی و شوق مشترک داشتن	۱۲	ساده لوح بودن مردم
۱۳	شهامت طلبی مردم و اعتماد به نفس	۱۳	رخوت، سستی عقاید و و پایین بودن عزت نفس و قدرت اراده مردم
۱۴	قناعت رشدیابنده	۱۴	تجمل پرستی
۱۵	ارتقای سطح ارزش های انسانی، مروت مردانگی و جوانمردی، انصاف، خوش خلقی و حسن برخورد، خویشتنداری، احسان و گذشت	۱۵	افت وجوه و خصلتهای انسانی و سقوط ارزشهای انسانی
۱۶	آزاد بودن، آزاد اندیشیدن، آزاد گفتن، آزاد کوشیدن در چارچوب حقوق شهروندی	۱۶	حاکمیت جو خفقان، سانسور
۱۷	بها دادن به سرمایه های انسانی: تکریم، احترام و پاسداشت ارباب فکر، قلم، اندیشمندان، هنرمندان، ورزشکاران، نخبه گان پیش کسوتها، ریش سفیدان.	۱۷	بی تفاوتی نسبت به سرمایه های انسانی جامعه
۱۸	اهمیت دادن به وقت و استفاده کارآمد از آن	۱۸	بی ارزشی وقت و هدر دادن و تلف کردن آن
۱۹	باروری معنوی و اقتدار و توانائی آن	۱۹	بی تفاوتی نسبت به حیات معنوی
۲۰	تعامل و تبادلات فرهنگی (تأثیرگذاری فرهنگی)	۲۰	تأثیر پذیری فرهنگی
۲۱	خستگی ناپذیری، نشاط و امیدواری واقع گرایانه.	۲۱	ناامیدی، سرخوردگی و عدم اطمینان
۲۲	صلح خواهی و آرامش طلبی و عقلانیت رفتاری	۲۲	جنگ طلبی، خشونت طلبی، آشوبگری و روحیات پرخاشگرایانه
۲۳	حس میهن پرستی، تعلق خاطر به سرزمین داشتن	۲۳	احساس لا مکانی، لا وطنی و لا هویتی
۲۴	استحکام عقاید، بینش، رفتار و منش مذهبی	۲۴	لامذهبی و یا تظاهر به دین، آشفستگی و سستی در عقاید، لجام گسیختگی و بی قیدی، بی بند و باری، فسق و فجور
۲۸	فرهنگ انعطاف پذیر و پویا- انطباق و هماهنگی با	۲۸	صرف حاکم بودن فرهنگ افواهی (دور هم نشستن و گپ زدن)

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

### واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۳

کتاب.			
تکرار تجارب، غالباً انجام امور بر اساس قاعده آزمون و خطا	۲۶	نوع آوری و خلق و تولید آثار جدید و نو	۲۶
روحیه خودخواهی و خود محوری و فردگرایی.	۲۷	تعلق خاطر و احساس عضویت در جامعه، تقویت روحیه همه خواهی و جمع گرایی	۲۷

جدول شماره (۳): برخی از مهمترین مؤلفه های فرهنگی دخیل در جریان توسعه در حوزه عادات، رسوم و سنن آگاهی بخش و در مقابل آن عادات، رسوم و سنن بسته (مأخذ: ستاری فر، محمد، ۱۳۷۴، صص ۱۰۲-۲۶)، همراه با برخی توضیحات و اشارات اضافی از محقق - دکتر غریب فاضل نیا، ۱۳۸۹}

#### ۵- نتیجه گیری

وضعیت موجود جهان در زمینه توسعه نشان می دهد که توجه بیش از حد به جنبه اقتصادی توسعه و در حاشیه قرا دادن توسعه اجتماعی و فرهنگی سبب بر هم خوردن تعادل زیستی و در نتیجه مواجه شدن کشورها با بن بست جدی شده است. از این رو توسعه اجتماعی و اقتصادی باید همگام با توسعه فرهنگی به پیش برود و اصولاً جریان پیشرفت اقتصادی در حوزه فرهنگی منعکس می شود و فعالیت فرهنگی، انگیزه زندگی اقتصادی است. از طرف دیگر بسیاری از صاحب نظران توسعه اعتقاد دارند، تفاوت جوامع از نظر فرهنگی موجب شده است تا تعمیم الگوی واحدی از توسعه بسادگی امکان پذیر نباشد و یا در صورت تعمیم آن، نتوان به اهداف مطلوب و توسعه ای پایدار رسید. باید خاطر نشان کرد که در کشور ایران، فرهنگ و مفهوم سازی های ترکیبی آن همچون فرهنگ توسعه، توسعه فرهنگی، برنامه ریزی فرهنگی و غیره چندان جدی گرفته نشده و در خیلی از موارد ادارک درستی از مقولات فوق نیز وجود نداشته است. لذا پیرامون این بُعد بسیار مهم از توسعه تحقیقات هدفمند و مسئله محور به طور جدی صورت نگرفته است. با توجه به اینکه طی مطالعات متعدد ثابت شده است و نیز تجارب توسعه در بسیاری از کشورها نیز نشان داده است که امروزه فرهنگ نقش مؤثری در توسعه دارد و به عنوان زیربنا در توسعه شناخته می شود، بنابراین باید در زمینه توسعه آن و بخصوص در زمینه توسعه فرهنگی، تحقیقات لازم صورت گیرد. لذا توجه به فرهنگ توسعه و توسعه فرهنگی و غیره در تهیه و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بسیار ضروری است، که قاعدتاً این امر مستلزم انجام پژوهش های علمی است.

با در نظر گرفتن مباحث مشروحه این مقال، می توان گفت، گام اول در فرایند تهیه و تدوین الگوی توسعه کشور توجه به مباحث مربوط به حوزه فرهنگ می باشد. در این میان پالایش فرهنگی به عنوان یک اقدام بایسته مطرح می شود. در طی این فرایند، مهمترین عوامل، عناصر، متغیرها و مؤلفه های فرهنگی تأثیر گذار در پیشبرد جریان توسعه - که در ادبیات و متون توسعه از آنها به عوامل، عناصر، متغیرها و مؤلفه های پیش برنده و عقب برنده جریان توسعه یاد می شود- شناسایی می شود، که قاعدتاً لازم است این شناسایی با در نظر گرفتن مقتضیات جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هر جامعه صورت گیرد.

با مطالعه متون و ادبیات نوشتاری در حوزه اندیشه توسعه و به موازات آن کنکاش در ادبیات و فرهنگ عامه، تدبیر در ارزشها، باورها، باید ها و نبایدها، آداب و رسوم و ... حاکم بر جوامع و نیز با تمرکز بر ادبیات و گفتمان محاوره ای حاکم بر مراودات روزمره آحاد جامعه و مهمتر از همه رصد الگو های رفتاری شهروندان به برخی از باورها و نگرشها که غالباً نیز در رفتار تک تک آنها نمود یافته و در موقعیت های خاص ظهور و بروز می یابد بر می خوریم که می توان آنها را از حیث موافقت (تقویت کننده و پیش برنده جریان توسعه) و یا مخالفت با جریان تحولخواه توسعه (تضعیف کننده و عقب برنده جریان توسعه) مورد ارزیابی، تبیین و تحلیل علمی قرار داده و معرفی نمود. بدیهی است این معر فها به عنوان یک میزان سنج و شاخص برای تطبیق و تشخیص نسبت ارزشها، باورها، باید ها و نبایدها، آداب و رسوم و نیز الگوهای رفتاری حاکم بر جوامع از حیث پیش برنده و یا عقب برنده بودن جریان توسعه حائز اهمیت می باشند.

بر این اساس، مطالعات لازم صورت گرفت، و در نهایت لیستی از برخی از مهمترین معرف های عوامل، عناصر، متغیر ها، و مؤلفه های فرهنگی دخیل در جریان توسعه (هم پیش برنده و هم عقب برنده جریان توسعه) تهیه گردید. به منظور فهم بهتر موضوع، معرف های فوق حتی المقدور به صورت قرینه و در سه حوزه کلی لیست می شوند که این سه حوزه عبارتند از:

- ۱ - پویایی فکری و عقلی و در مقابل آن جمود فکری و عقلی
- ۲ - عادات، رسوم و سنن آگاهی بخش و در مقابل آن عادات، رسوم و سنن بسته
- ۳ - پویایی مذهب و باورهای دینی و در مقابل آن ایستایی مذهب و باورهای دینی.

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدیشت و خرداد ۱۳۹۳

### مراجع و منابع:

- ابوالقاسمی، محمد جواد، (۱۳۸۵)، شناخت فرهنگ، انتشارات عرش پژوه، چاپ اول، تهران.
- احمدی، ح. (۱۳۷۰)، روش برنامه‌ریزی در بخش فرهنگ. تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه. چاپ اول. صص ۱۵-۱۳.
- اردلان، ف. (۱۳۸۱)، توسعه فرهنگی از دیدگاه یونسکو. مجموعه مقالات توسعه فرهنگی. تهران. چاپ اول. ص ۳۰.
- افروغ، ع. (۱۳۷۹)، فرهنگ‌شناسی و حقوق فرهنگی. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگ و دانش. چاپ اول. ص ۶۴.
- براهمن، جان، (۱۳۸۱)، توسعه مردم‌گرا، بازاندیشی در نظریه و کاربرد توسعه، مترجمان: عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و مرتضی توکلی، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول، تهران.
- برونیسلاو مالینوفسکی، (۱۳۸۴)، نظریه‌های علمی در باره فرهنگ، مترجم: عبدالحمید زرین‌قلم، انتشارات گام نو، چاپ دوم، تهران.
- پاپلی یزدی، محمدحسین، ابراهیمی، محمد امیر، (۱۳۸۱)، نظریه‌های توسعه روستایی، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
- تری یان‌دیس، هری، س. (۱۳۷۸)، فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه نصرت فنی، نشر رسانش، تهران.
- جردن. تری ج.، راونتری. لستر، (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، مترجمان: سیمین تولایی، محمد سلیمانی، چاپ اول، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران.
- حسینی، ا. (۱۳۸۱)، بررسی تحلیلی برنامه اول و دوم توسعه در بخش فرهنگ و مقایسه آن با برنامه سوم توسعه کشور از حیث واقع‌بینی و اثربخشی. نشریه دانشور. شماره ۱۰. ص ۵۲-۴۱.
- حقیقی، علی محمد (۱۳۸۸)، بررسی نقش فرهنگ در توسعه پایدار؛ تحلیل موردی فرهنگ ایران. نشریه علمی و تخصصی شورای عالی انقلاب فرهنگی، سال چهارم شماره ۳۷ و ۳۸.
- دوپوئی، گ. (۱۳۷۴)، فرهنگ و توسعه. ترجمه: فاطمه فراهانی و عبدالحمید زرین‌قلم. تهران: مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران. چاپ اول. صص ۱۳ و ۸۲.
- زیاری، ک. (۱۳۷۹)، سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگی استان‌های ایران. نامه علوم اجتماعی. شماره ۱۶. صص ۱۰۴-۹۱.
- ساطعی، ع. (۱۳۷۳)، فرآیند توسعه در بستر فرهنگ دینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. صص ۱۵۹-۱.

## سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

### واکاوی مفاهیم و نظریه‌های رایج توسعه و تجارب ایران و جهان: بر سوی نظریه اسلامی ایرانی پیشرفت

اربدی‌بشت و خردلو، ۱۳۹۳

- ستاری فر، محمد، (۱۳۷۴)، درآمدی بر سرمایه و توسعه، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، تهران.
- عظیمی آرانی، حسین، (۱۳۸۳)، «مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران»، نشر نی، چاپ پنجم.
- فاضل نیا، غریب، (۱۳۸۳)، رساله مقطع دکتری با عنوان «تحلیل عوامل مؤثر بر شناخت و آگاهی روستائیان از بخش تعاون، با تأکید بر عوامل محیطی و ارائه الگوی راهبردی-مورد: استان سمنان»، به راهنمایی و مشاورت آقایان دکتر عبدالرضا رکن الدین افتخاری، مهدی طاهرخانی و ابوالقاسم مهدوی، دانشگاه تربیت مدرس.
- فاضل نیا، غریب، (۱۳۸۶)، تحلیل عوامل و شرایط محیطی مؤثر بر شناخت و آگاهی روستائیان از بخش تعاون. مورد شناسی: استان سمنان»، مجله علمی - پژوهشی جغرافیا و توسعه، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال پنجم، شماره پیاپی ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص ۳۷-۵۴.
- فاضل نیا، غریب، (۱۳۸۶)، چارچوب الگوی بهینه نظام برنامه ریزی ترویج تعاون در مناطق روستایی استان سمنان»، فصلنامه علمی - پژوهشی روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶، صص ۶۷-۸۶.
- فاضل نیا؛ غریب، افتخاری، عبدالرضا رکن الدین، (۱۳۸۴)، تبیین نظریه ای عوامل مؤثر بر شناخت و آگاهی روستائیان از توانشهای خود و محیط پیرامون»، مجله علمی - پژوهشی مدرس، دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۹، شماره ۱، پیاپی ۳۸، بهار ۱۳۸۴، صص ۱۱۱-۱۴۹.
- قمری، ا. (۱۳۷۹)، تأثیر تحولات فرهنگی بر توسعه اقتصادی: مورد ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه امام صادق (ع). صص ۲۲۰-۱.
- گودرزی، غ، (۱۳۸۶)، برنامه ریزی فرهنگی، آسیب‌ها و بایسته‌ها، رویکردی آینده‌نگر. پژوهشنامه برنامه ریزی فرهنگی در دانشگاهها. تهران: انتشارات معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی. چاپ اول. صص ۲۸ و ۳۰.
- گی روشه، تغییرات اجتماعی، (۱۳۸۷)، ترجمه: دکتر منصور وثوقی، چاپ بیستم، انتشارات نشر نی، تهران.
- محسنی، منوچهر، (۱۳۷۱)، بررسی آگاهیها، نگرشها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران، معاونت پژوهشی و آموزشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- موسایی، م. (۱۳۷۳)، اسلام و عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه اقتصادی. پایان نامه کارشناسی، ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس. ۱-۱۷۵.



- موسایی، م، (۱۳۷۹)، اسلام و فرهنگ توسعه اقتصادی. فصلنامه شورای فرهنگ عمومی. شماره ۲۲ و ۲۳. ص ۴۴.
- نراقی، احسان، (۱۳۵۵)، آنچه خود داشت. تهران: انتشارات امیرکبیر. ص ۱۰۱.
- نراقی، یوسف، (۱۳۷۹)، توسعه و کشورهای توسعه نیافته، چاپ چهارم، انتشارات شرکت سهامی انتشار، تهران.
- یونسکو، (۱۳۷۶)، بُعد فرهنگی توسعه به سوی یک رهیافت علمی، ترجمه: تیمور محمدی. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات. چاپ اول. صص ۱۵-۱۳.
- یونسکو، (۱۳۷۶)، فرهنگ و توسعه، رهیافت مردم‌شناختی توسعه. ترجمه: نعمت‌اله فاضلی و محمد فاضلی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. چاپ اول. ص ۱۱۴.
- یونسکو، (۱۳۷۶)، بُعد فرهنگی توسعه به سوی یک رهیافت علمی. ترجمه: تیمور محمدی. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات. چاپ اول. صص ۱۵-۱۳.
- OECD. 2005. Culture and Local Development. Paris. France: OECD Publishing.
- Cochrane, P. 2006, Exploring cultural capital and its importance in sustainable development Economics. University of Edinburgh, United Kingdom. Vol. 103: 318-330.
- Cohen, Y. A. 1964. The Establishment of Identity in a Social Nexus: The Special Case of Initiation Ceremonies and Their Relation to Value and Legal System, American Anthropologist. Vol. 66. 529-552.
- Culture Statistics Program. 2004. Canadian Framework for Culture Statistics. Culture, Tourism and the Center for Education Statistics Research papers, Ottawa: Catalogue no. No. 021, PP: 81-595.
- Levine, N. D. 1975. Human Ecology, North Scituate, Mass: Duxbury Press. P: 213.
- Oakes, T. 2006. Cultural strategies of development: implications for village governance in China. USA. Colorado: The pacific Review, Vol. 19, No. 1.
- Santagata, W. 2006, Cultural Districts and Their Role in Developed and Developing Countries, Handbook on the Economics of Art and Culture. Italy: University of Turin. Vol. 1, PP: 1101-1119.